



ارزیابی اصلاحات نظام بازنشستگی آلمان در سال ۲۰۰۱ (قسمت دوم)

ترجمه: الهام میرتهامی

کارشناس پژوهشکده امور اقتصادی و دارایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
رتال جامع علوم انسانی

پرداخت در حین ایجاد درآمد در نظر گرفته می شوند، اما عامل دوم اصلاحات فعلی - معرفی طرح های بازنشستگی خصوصی- یک تغییر بنیادین به شمار می آید. در حقیقت، شرایط حساب های بازنشستگی فردی گامی به سوی روش آنگلو- ساکسون (Anglo - Saxon Style) در جهت تأمین وجوه

۳- معرفی طرح های بازنشستگی فردی برای آلمان

در حالی که تغییرات در طرح بازنشستگی عمومی، که قبلاً پیرامون آن ها بحث شد، تاکنون به عنوان آخرین قدم در مجموعه گسترده ای از تلاش ها در جهت تأمین بلندمدت سیستم بازنشستگی

بازنشستگی فردی اختیاری هستند، اما دولت سیستم پیچیده ای از انگیزه ها، مرکب از کسر مالیات و پرداخت های مستقیم را در جهت تشویق ذخیره خصوصی افراد کهنسال به وجود آورد.

در ابتدا، معرفی حساب های صندوق بازنشستگی خصوصی با حرکت به سوی سیستم هماهنگ بین المللی مالیات معوق کامل شد، این امر بدان معناست که میزان حق السهم های پس اندازهای اختیاری به طرح های صندوق بازنشستگی خصوصی که ماهیتی متفاوت از حق السهم های اجباری به طرح پرداخت در حین ایجاد درآمد دارند، کاملاً معاف از مالیات هستند. اما حقوقهای بازنشستگی معاف از مالیات نیستند. به بیانی دقیق، این امکان هست که در مرحله نهایی اصلاحات در حدود بیش از ۴ درصد از حداکثر عواید حاصل از درآمدهای مشمول مالیات برای سهم های حق بیمه بازنشستگی کسر شود.

دوم اینکه، به منظور حمایت از نان آوران کم درآمد، دولت سعی می کند برای کسانی که از سیستم مالیات بندی معوق سودی به دست نمی آورند، با بخشودگی مالیاتی برای پس اندازهای مستقیم سود حاصل از پس اندازهای فردی را افزایش دهد. این معافیت مالیاتی، که در سال ۲۰۰۲ با ۳۸ مارک برای هر نفر آغاز شد، بعد از سال ۲۰۰۸،

لازم برای بیمه اجتماعی است. این یک دستاورد قابل توجهی است و همان زمان نیز در نظر می گیرد که وابستگی احساسی قوی نسبت به اصل بلندمدت پرداخت در حین ایجاد درآمد در آلمان وجود دارد. در حقیقت، اصلاحات واکنش بسیار مهمی به وجود آورده است. همان گونه که نوع بیمه سازی (Bismarckian type) بیمه اجتماعی ادعا می کرد، به افراد بسیاری ثابت شده که حمایت دولت از تأمین وجوه صندوق بازنشستگی خصوصی می تواند پیوستگی و اتحاد میان نسل ها را ضعیف کند.

۳.۱ انگیزه برای پس اندازهای داوطلبانه (اختیاری)

تحت قوانینی که هم اکنون به تصویب رسیده اند، کارگرانی که درآمدهای در حدی است که می توانند سهم حق بیمه به طرح بازنشستگی عمومی را پوشش دهند (درآمدی در حدود ۵۷/۳۰۰ مارک در حال حاضر دارند)، می توانند با ۱ درصد از دستمزد ناخالص خود در طرح های بیمه خصوصی اختیاری یا طرح بازنشستگی شغلی (Occupational Pension Plans) در سال های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ مشارکت کرده و شروع به پس انداز کنند. این گونه حساب ها در هر سال در مرحله مقدماتی افزایش می یابند و ارزش نهایی آنها در سال ۲۰۰۸ به ۴ درصد خواهد رسید. اگرچه پس انداز به صورت حساب های

زمانی که اصلاحات تکمیل شدند، به ۱۵۴ مارک برای هر نفر خواهد رسید. همسران خانه دار نیز می‌توانند مشمول این حد استاندارد معافیت مالیاتی باشند، به شرط آنکه شوهرانشان برای آنها حساب پس انداز خصوصی جداگانه ای افتتاح نمایند.

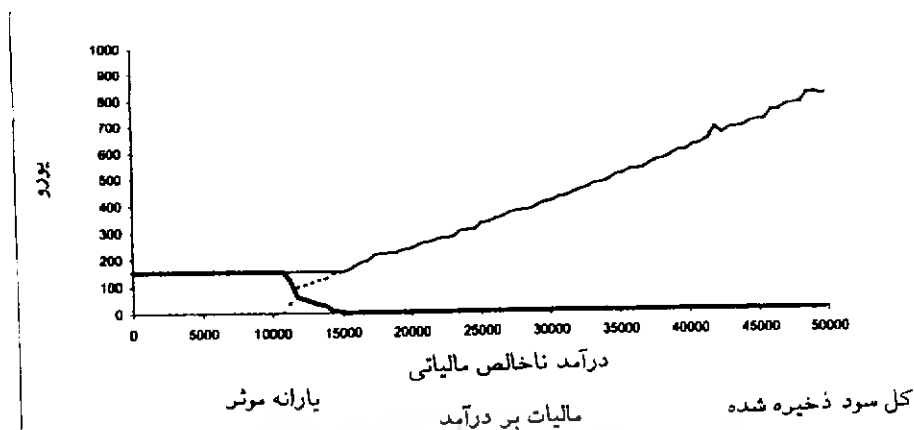
علاوه بر این، برای هر فرزند میزان بسیار بالای بخشودگی مالیات نیز در نظر گرفته شده است، که در مرحله نهایی اصلاحات ارزشی معادل ۱۸۵ مارک در هر سال خواهد داشت. بنابراین، اصلاحات شامل یک عنصر خانوادگی است که می‌توان آن را با این استدلال توجیه کرد که با بزرگ شدن یک بچه، باید بیشتر از متوسط حق السهم پرداختی به طرح بازنشستگی در حین ایجاد درآمد پرداخت گردد.

دولت به پس اندازهای مکمل هرکسی که بتواند ثابت کند که میزان معینی از درآمد ناخالصش را در طرح صندوق بازنشستگی خصوصی سرمایه گذاری می‌کند، بدون توجه به سطح درآمدی او، بخشودگی مالیات می‌دهد. البته افرادی که کمتر از نرخ تعیین شده پس‌انداز می‌کنند، تنها بخشی از حد استاندارد معافیت مالیاتی را دریافت می‌کنند با این وجود، بارانه دهی مؤثر حق‌السهم‌های پس اندازهای خصوصی محدود به افرادی است که درآمد کمتری دارند. این مهم

به واسطه قانون مالیات خاص به دست می‌آید، به این ترتیب که هر زمان باز پرداخت مالیات به واسطه حق‌السهم‌های پس‌اندازهای خصوصی بیشتر از میزان پرداخت مستقیم دولت باشد، میزان کامل مورد دوم (حق‌السهم‌های پس‌اندازهای خصوصی) از میزان بازپرداخت مالیات کسر می‌شود. از طرف دیگر، اگر معافیت مالیاتی پس‌اندازهای خصوصی بیشتر از میزان درخواست شده به‌عنوان بازپرداخت مالیات باشد هیچ‌گونه تخفیف مالیاتی داده نمی‌شود. تأثیر این سیاست روی کمک مالی بلاعوض مؤثر طرح های بازنشستگی فردی در نمودار ۴ آمده است.

این نمودار نشان می‌دهد که برای یک فرد مجرد بدون بچه که کاملاً به همان میزان تعیین شده پس انداز می‌کند، سطح مطلق کمک دولت به تأمین سهمیه خصوصی برای سن پیری مطابق با مقررات مالیاتی و بازنشستگی شخصی معتبر در سال ۲۰۰۸ است و به عنوان بخشی از درآمد ناخالص در نظر گرفته می‌شود.

به منظور ایجاد سهولت در به دست آوردن درآمد مشمول مالیات از درآمد ناخالص، این گونه فرض می‌شود که تنها کسورات استاندارد اعمال می‌شوند و هیچ گونه منابع درآمد دیگری وجود ندارد.



نمودار ۴. یارانه پس انداز مؤثر سود (به یورو)

تحت این شرایط، درآمدهای ناخالص کمتر، در حدود ۱۱/۲۰۰ مارک مشمول مالیات نیستند و فردی می تواند معافیت کامل مالیاتی برای پس اندازش دریافت کند که درآمدهای رقمی بالغ بر ۱۵۴ مارک است.

این معافیت کامل برای درآمدهای فردی در رده ای بین ۱۱/۲۰۰ مارک تا ۱۵/۳۰۰ مارک در نظر گرفته شده است. در این سطح درآمدی، سود مالیاتی ناشی از کسر حق السهم های پس اندازهای فردی در سطحی کمتر از پرداخت مستقیم دولت باقی می ماند. به هر حال، اگر بازپرداخت مالیات هزینه ای در بر داشته باشد، این روش برای

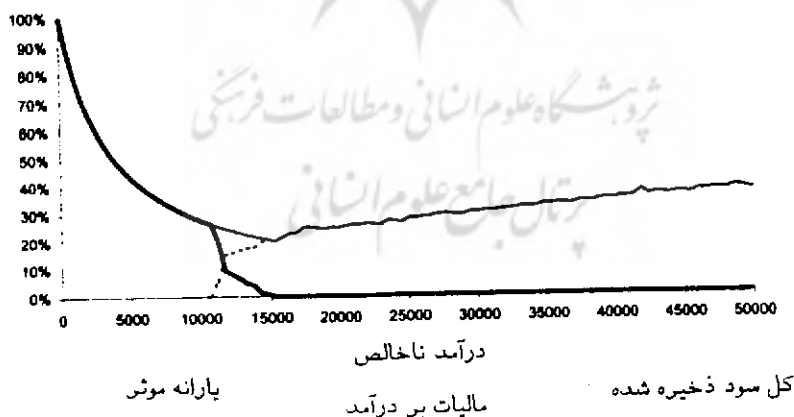
مدت زمان طولانی دوام نخواهد آورد. زیرا بازپرداخت مالیاتی به پس اندازهای خصوصی فرد تعلق نمی گیرد، که این امر باعث می شود تا میزان سود پنهان مالیاتی (The latent tax advantage) از یارانه مؤثر کاسته شود که این به نفع بازسازی صندوق مالیات نخواهد بود.

توجه به این امر مهم است که به رغم پیشنهادات اغلب سیاست گذاران، در شرایط اقتصادی، بازپرداخت مالیات نمی تواند جایگزین یارانه مستقیم شود. استرداد وجه مالیات بر درآمد بخشی از سیاست مالیات معوق است. قطع آن به این مفهوم است که بخشی از سهمیه افراد پیر، که

گفت که پیچیدگی سیستم موازی پرداخت های مستقیم دولت و وقفه های مالیات های اضافی برای افرادی که واجد شرایط دریافت یارانه پس انداز نیستند، به نظر غیرضروری می رسد ولی معافیت های مالیاتی موثر خواهند بود. به منظور تأمین یارانه مورد نظر یک راه حل مشابه اما بسیار قابل فهم این است که در مرحله اول مطابق با پس اندازهای فردی به تمامی مالیات دهندگان بازپرداخت مالیاتی کامل ارائه شود و در مرحله بعد این میزان برای مالیات دهندگانی که وجه استرداد مالیاتی آنها کمتر از سطح تعیین شده است، افزایش یابد.

مالیات روی آن بعداً وضع می شود، برگرفته از همان درآمد مالیات بندی شده است. در رده درآمدی از ۱۱/۲۰۰ مارک تا ۱۵/۳۰۰ مارک، این زیان بسیار بالاتر از آن چیزی است که بتوان آن را با معافیت مالیاتی پس اندازهای مستقیم جبران کرد، اما سطح موثر کمک های مالی بلاعوض سریعاً کاهش می یابد.

برای عمود بیشتر از ۱۵/۳۰۰ مارک، یارانه دهی بی واسطه پس اندازها در حقیقت صفر می شود. زیرا، زیان ناشی از استرداد وجه مالیات معادل با پرداخت یارانه مستقیم است. برای نتیجه گیری کلی [۷] از مباحث مذکور می توان



نمودار ۵. یارانه پس انداز موثر و سود

نمودار ۵ نشان می دهد که بخشی از پس اندازهای بازنشستگی که توسط دولت، به واسطه یارانه های مؤثر و یا از طریق استرداد وجه مالیاتی در چارچوب مالیات بندی معوقه در دوره فعلی تأمین شده است، بستگی به درآمد ناخالص فرد دارد.

این امر نشان می دهد که برای افرادی که درآمد بسیار اندکی دارند، پرداخت مستقیم دولت می تواند حق السهم های پس اندازهای فردی را تقریباً به صورت یورو در ازای یورو [۷] برابر کند، اگرچه سهمیه بندی حمایتی معمولاً بین ۳۰ تا ۴۰ درصد از کل پس اندازها در سطح زیرین توزیع تجربی درآمد رده بندی می شود. زمانی که اعتبار یارانه مؤثر به بیش از ۱۵۰۰۰ مارک نرسد، دولت حدود یک پنجم از پس اندازهای مورد نظر برای خانوار مجرد را تأمین می کند.

برای افرادی که درآمدهای بالاتری دارند، سهم دولت در پس اندازها در نتیجه سیستم تصاعدی مالیات بر درآمد به تدریج افزایش می یابد. با در نظر گرفتن سیاست مالیات بندی معوق، واضح است که این توسعه به این معنا نیست که ضرورتاً افرادی که در سطوح بالاتر توزیع درآمد قرار دارند نسبت به افرادی که درآمد متوسطی دارند

از حمایت بیشتر دولت برای حساب پس انداز خصوصی شان بهره مند می شوند. در واقع، با افرادی که در پایین ترین رده درآمدی قرار دارند، به وضوح رفتار بهتری می شود، زیرا آنها تنها کسانی هستند که از یک یارانه حقیقی سود می برند. در کل، افرادی که فعلاً درآمد بالاتری دریافت می کنند، حقوق بازنشستگی خصوصی بالاتری نیز در آینده خواهند داشت. بنابراین سود ناشی از مالیات تصاعدی جاری ممکن است تنها میزان مالیات تصاعدی در سن پیری را جبران کند.

از نظر تجربی، میزانی که در آن مالیات معوقه حق السهم های پس انداز تصاعدی می شود، بستگی به افزایش درآمد مشمول مالیات (متوسط نرخ های مالیات) طی چرخه زندگی دارد. این امکان وجود دارد تا از چشم اندازهای امروزی بتوان آینده را پیش بینی کرد. زیرا، قوانین مالیاتی مناسب برای درآمد افراد کهنسال مقوله ای نیست که دولت آلمان بتواند با قاطعیت در مورد آن نظر دهد. مثال مورد مطالعه در نمودارهای ۴ و ۵ نشان می دهد که کمک مالی بلاعوض دولت برای حساب های بازنشستگی فردی نزولی است، به طوری که این مهم هدف اصلاح گری خواهد

بود که نگران استلزامات توزیعی ناشی از تغییر سیاست است.

به هر حال، با یک استدلال قابل فهم، شاید کسی بتواند سیاست یارانه های دولت در جهت افزایش حقوق بازنشستگی شخصی افرادی که عواید اندکی دریافت می کنند، زیر سؤال برد.

زیرا، این گونه برآورد می شود این افزایش که در مرحله نهایی سالانه به ۱۰ میلیون مارک خواهد رسید، باعث می شود تا بودجه عمومی بار مالی زیادی را متحمل شود. در اصل، این امکان وجود دارد که این میزان افزایش بازدهی بیشتری را به وجود آورد، در صورتی که با هدف کاهش بدهی دولت بتوان به صورت دیگری زوی آن سرمایه گذاری کرد. به هر حال، به همان اندازه که این مهم مسرود توجه قرار می گیرد، سیاست کمک های مالی بلاعوض، در چشم انداز میان مدت کل بدهی های مالی بخش عمومی را کاهش نمی دهد. بایستی توجه داشت که استراتژی کاهش بدهی لزوما در تضاد با سیاست توزیع بلند مدت کمک های مالی بلا عوض نیست. زیرا، به منظور حفظ یک درآمد کافی در سن کهولت برای نازآوران کم درآمد می توان از ابزارهای استاندارد در رفاه اجتماعی استفاده کرد تا حقوق بازنشستگی دولتی، با وجود کاهش سریعی که در میزان آن مشهود

است، به طور آشکاری افزایش یابد. با کاهش نرخ بهره می توان منابع لازم برای این سیاست را تأمین کرد، اما خود این امر نیز مستلزم پرداخت بدهی دولت است. این مسئله که آیا کاهش پس اندازهای منفی دولت بر یارانه دهی پس اندازهای شخصی ارجعیت دارد، مبحث عمده ای در اوضاع و احوال فعلی سیاسی - اقتصادی به شمار می رود. از دید سیاسی، مزیت کمک های مالی بلاعوض به افراد این است که سود ناشی از وجوه صندوق ها خارج از دسترس سیاست گذاران قرار می گیرد.

درمقابل، تحت فشارهای مالی، زیرپا گذاشتن تعهدات بلندمدت برای پرداخت مجدد اوراق قرضه دولت آسان است. در شرایط اقتصادی، یک شرط لازم برای تقدم سیاست بدهی این است که نرخ بهره روی اوراق قرضه دولت بایستی از بازدهی پس اندازهای خصوصی بیشتر باشد. شاید کسی فکر کند که چنین شرطی از لحاظ تجربی امکان تحقق ندارد. با انتخاب آزاد بازارهای سرمایه کامل و پرتفلیو، عاملان معمولاً از بازدهی بالاتر روی پس اندازها نسبت به نرخ بازار روی اوراق قرضه دولت سود می برند، اگر چه در این حالت درجه خطر پذیری بسیار بالاست.

به هر حال، این امر به هیچ وجه تضمینی برای سرمایه گذاری خاص روی حسابهای پس انداز

ارائه بیمه مستمری سالانه به صورت مادام العمر یا حداقل یک پرداخت سالیانه ثابت که حد آن از $\frac{3}{6}$ درصد سرمایه بیشتر نشود، اگر پرداخت مستمری سالانه تا سن ۸۵ سالگی به تعویق افتد.

تاکنون، برای این مهم که آیا پرداخت های بازنشستگی بایستی شاخص گذاری شوند یا خیر، هیچ گونه قوانینی وجود ندارد، اگرچه برای عقد قراردادهایی که سود سرشاری را به دنبال دارند، ممنوعیتی وجود ندارد تضمین کند که ارزش اسمی صندوق بازنشستگی حداقل معادل با حق السهم های انباشته شده می باشد. تمامی تأمین کنندگان صندوق های بازنشستگی فردی تحت نظارت یک نمایندگی ناظر هستند. این سازمان مسئول تأیید تولیدات مالی است که حداقل به طور رسمی بتوانند معیارهای حمایتی را برآورده سازند. تعهد در قبال پرداخت مستمری سالیانه و ضمانت سهم حق بیمه برای مصرف کننده هزینه آور است. برای مثال، در حال حاضر پیشنهاد قراردادهای بیمه مستمری سالیانه از سوی شرکت های سرمایه گذاری غیر قانونی است. این شرکت ها مجبور هستند تا این خدمت را در خارج از بازار بیمه خریداری کنند. علاوه بر این، ممکن است بیمه مستمری سالیانه بازنشستگی برای مصرف کننده کاهش

شخصی نمی کند. در ابتدا، نان آوران کم درآمندی که از یارانه سود می برند، دسترسی کاملی به بازارهای سرمایه ندارند.

برای مثال، میزان سرمایه گذاری این افراد به دلیل اطلاعات ناقص یا دامنه محدود انتخاب آنها پیرامون شقوق سرمایه گذاری اندک است.

دوم اینکه، بازدهی روی پس اندازهای یارانه شده اساساً می تواند کمتر از حد نرمال باشد که این مهم در نتیجه معیارهای بسیار خاصی است که توسط مقررات جاری اعمال شده اند. این علامت ما را به سمت چرخه های پس انداز هدایت می کند. این چرخه ها به واسطه اصلاحات در جریان، تحت حمایت قرار گرفته اند.

۲-۲. چرخه های پس اندازهای خصوصی

به منظور کنترل سهمیه فردی برای سن پیری، لایحه معرفی حقوق بازنشستگی Riester پس از تغییرات دوره ای بسیار در مسیر آیین نامه پارلمانی، لیست طولی از شرایط مطلوب را در جهت قبول حق السهم های پس اندازهای اختیاری برای حمایت دولت تعیین می کند. قوانین دارای برخی ویژگی هایی جالب توجه هستند. به ویژه برای اینکه صندوق بازنشستگی فردی، که وجوه آن قبل از سن ۶۰ سالگی قابل توزیع نیست، برای حمایت دولت باید شرایط زیر را دارا باشد:

رفاه را به همراه داشته باشد، زیرا از تخصیص بهینه مصرف طی دوره پیری جلوگیری می کند، در صورتی که افراد معمولاً پرداخت های بیشتر در آغاز دوره بازنشستگی و شاید گاهی اوقات پرداخت یک مبلغ کلی از کل مقدار پس انداز را ترجیح می دهند.

اگرچه تأمین حق السهم های پس انداز تنها در شرایط اسمی تضمین شده است، اما ممکن است برای صندوق های سرمایه گذاری در جهت تولید محصولاتی که دارای ضمانت هستند و پول را بر می گردانند، مشکلاتی به وجود آورد. هنوز تعیین نشده است که صندوق چه میزان از مشتقاتش (وجوه حاصله) را برای پرداخت بدهی اختصاصی می دهد.

با این حال، این حقیقت که تولیدات صندوق سرمایه گذاری بایستی با سیاست های بیمه ترکیب شود، می تواند منجر به کاهش عمده در نرخ های بازدهی حساب های پس انداز فردی شود، زیرا گستره چرخه های پس انداز محدود است. ارائه دلیلی موجه برای هزینه های ناشی از حمایت مصرف کننده مشکل است، با توجه به اینکه درآمد بازنشستگی برای اکثر افراد کافی است، حتی اگر طرح بازنشستگی فردی آنها با شکست مواجه شود، که این امر به دلیل سطح فعلی

و کاملاً بلند نظرانه حقوق بازنشستگی دولتی است. اعتقاد عامه مردم این است که معیارهای حمایتی مذکور با ارائه نوع مطلوب تأمین آتیه افراد کهنسال در آلمان که همان خرید مستفلات (دارایی های منقول) است، قابل قیاس نیستند.

با در نظر گرفتن مشکلات ناشی از اعمال مالیات معوقه برای بازدهی مسکن، این یک تصمیم گیری مهم به شمار می آید. علاوه براین، عملاً تعیین بیمه مستمری سالیانه برای دارایی های غیر منقول غیر ممکن است، مگر اینکه این دارایی بعد از مرگ به بیمه گر منتقل شود.

آخرین اصلاحیه برای مقررات مرتبط با پس اندازها، در برخی موارد برای ملک مسکونی حمایت های غیرمستقیمی ارائه کرده است، به هرحال: اگر آنها برای استفاده شخصی را به دارایی غیر منقول نیاز داشته باشند، این افراد حق دارند تا موقتاً تا مبلغ ۵۰ هزارمارک از حساب های پس انداز خصوصی شان بیرون بکشند، مشروط بر اینکه آنها تا سن ۶۵ سالگی بتوانند این وام را مستهلک کنند. این امکان بسیار سودمند است، زیرا در این حالت وام بدون بهره خریداری می شود.

درحالی که به نظر می رسد شرایط رضایت بخش برای تأمین صندوق بازنشستگی خصوصی در جهت برخورداری از حمایت دولت به طرز

بر مبنای حق السهم های تعریف شده به وجود آورده است.

بلافاصله بعد از اینکه اصلاح بازنشستگی به شکل قانون به تصویب درآمد، جناح های متفاوت برای کسب اولویت در طرح های بازنشستگی Riester شروع به رقابت در بازار کردند. اگرچه هیچ کس نتوانسته است تاکنون محصولی معتبر برای جلب حمایت دولت ارائه دهد، اما تا زمانی که تأمین سهمیه صندوق بازنشستگی مرحله ای است، کسب مقام اول ضرورت دارد. زیرا، وقتی مصرف کنندگان یک طرح پس انداز را انتخاب کرده اند، به آسانی نمی توانند آن را به طرح دیگری تغییر دهند.

برای درک طرق موفقیت تأمین کنندگان طرح بازنشستگی Riester، که مرتباً در حال رقابت باهم هستند، هنوز خیلی زود است. به هر حال، ممکن است فردی انتظار داشته باشد که در چارچوب تأمین بازنشستگی شغلی، این طرح ها سرآغاز خوبی داشته باشند، زیرا مجموعه مقررات جدید شرایط جالبی برای صندوق های بازنشستگی به وجود می آورند.

گزینه ای که اولین بار در حیطه برنامه های تعریف شده برای حق السهم های بیمه به کارفرمایان پیشنهاد می شود، فرصتی فراهم می آورد تا آنها

غیرضروری محدود است. اما با این وجود طیف گسترده ای از تشریحات نهادین در نظر گرفته شده اند. همانطور که مقررات اصولی در طرفداری از یک تأمین کننده خاص حساب های بازنشستگی شخصی تبعیضی قائل نمی شود، در اینجا میان حداقل سه نوع تأمین کننده رقابت وجود خواهد داشت:

شرکت های بیمه که نسبت به سایر تأمین کنندگان دارای یک امتیاز هستند. زیرا در آلمان سنت دیرینه ای برای خرید بیمه عمر وجود دارد. در واقع، این بیمه می تواند یک نوع سرمایه برای زمان بازنشستگی افراد کهنسال به وجود آورد. نظارت برنامه ریزی شده در مورد صندوق های بازنشستگی در موازات با کنترل های قانونی برای شرکت های بیمه (عمر) طراحی شده است، که این امر کاملاً غیرتصادفی است. بانکها و شرکت های سرمایه گذاری می توانند طرح های پس انداز را در ترکیب با عناصر بیمه برای افراد پیر تأمین کنند تا بدین ترتیب شروط بیمه مستمری سالیانه را ادا کنند.

طرح های بازنشستگی شغلی، که در دهه های اخیر روبه کاهش گذاشته اند، می تواند فعالیت جدیدی را آغاز کند، زیرا اصلاح بازنشستگی فعلی سهمیه ای برای ایجاد صندوق های بازنشستگی

جذابیت دارد، زیرا بخشی از حقوق آنها را از پرداخت‌های تأمین اجتماعی معاف می‌کنند (آزاد هستند، اتحادیه‌های تجاری سعی می‌کنند تا با تعیین بخشی از افزایش پرداختی حاصل شده از راه مذاکره با صندوق بازنشستگی گروهی در سطح صنعت، این قوانین را استخراج کنند.

این طور به نظر می‌رسد که ایجاد سرمایه‌ای که تحت پوشش بخش سهمیه بازنشستگی ناشی از فرآیند معامله جمعی است، می‌تواند برای بیشتر آلمانی‌هایی که نسبت به طرح‌های بازنشستگی فردی شکاک هستند، جذابیت داشته باشد. به هر حال، اگر طرح‌های خصوصی با وجود این روش زاید و بی‌ثمر شوند، رقابت میان تأمین‌کنندگان سهمیه خصوصی برای سن پیری و همچنین گستره چرخه‌های پس‌انداز، به عنوان عاملی برای برآوردن معیارهای جلب حمایت دولت، محدود می‌شود که این امر می‌تواند میزان ریسک را افزایش دهد. در هر صورت، طرح‌های تعریف شده بر مبنای سهم حق بیمه که هم اکنون امکان اجرای آنها فراهم شده است با صندوق‌های بازنشستگی سبک آنگلوساکسون برابر نیستند، زیرا همانند طرح بازنشستگی Riester، آنها بایستی حداقل منافع تضمین شده را فراهم آورند. این تعهد یا برای کارفرمایانی که ریسک‌های

بتوانند شیوه کار متداول اما زیانبار برای تأمین بازنشستگی شغلی را از طریق طرح‌های ذخیره‌دفتری، تغییر دهند. زیرا این شیوه روی ترانزنامه‌های شرکت ضامن هزینه تحمیل می‌کند.

این انتقال با رفتار مالیاتی مطلوبی مواجه می‌شود، به طوری که پرداخت‌ها و انتقالات دارایی به صندوق بازنشستگی از سوی کارفرما، به عنوان درآمد معاف از مالیات برای کارمندان تلقی می‌شوند.

این امر بدان معناست که تعهدات بر مبنای موجودی‌های دفتری می‌تواند بدون تعهد برای سهم حق بیمه اجتماعی به صندوق بازنشستگی انتقال یابند. جذابیت طرح‌های بازنشستگی شغلی به واسطه کوتاه کردن دوره واگذاری حق [۹] (تا ۵ سال) و همچنین اهدای حق قانونی برای مشارکت در قراردادهای حقوقی معوقه افزایش یابد.

هرگونه اهدای داوطلبانه حقوق جاری که در صندوق گذاشته شود، حتی اگر میزان آن بیش از نرخ لیست بندی شده برای حق السهم‌های پس‌انداز باشد، - تا آستانه ۴ درصد از حد دریافتی‌های حاصل از سهم حق بیمه تأمین اجتماعی- از مالیات معاف هستند. در حالی که کارکنان برای معامله با کارفرمایانشان بر مبنای طرح‌های پرداخت معوقه (این طرح‌ها بیشتر برای کارکنان

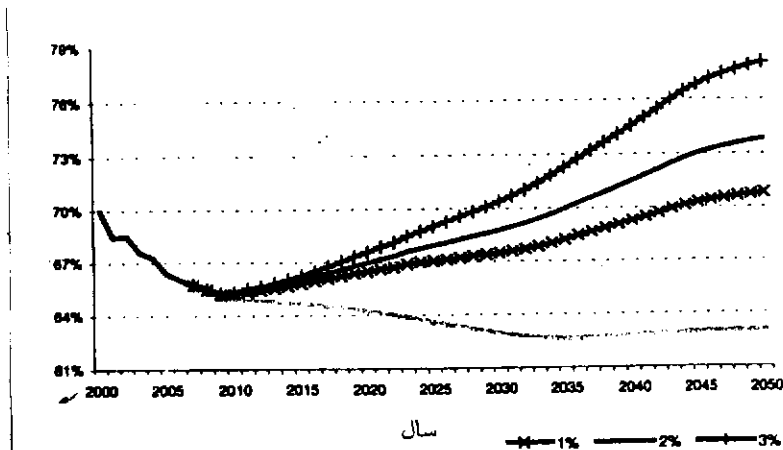
ناشی از ارائه یک طرح بازنشستگی شرکتی را تقبل می کنند، بار مالی به دنبال می آورد و یا اینکه بازده سرمایه گذاری را کاهش می دهد، زیرا مدیران طرح بازنشستگی برای مثال، تنها سهمیه بسیار اندکی از سهام پرتفلیویشان را انتخاب خواهند کرد.

۳-۳. بازدهی حساب های پس انداز خصوصی

محدودیت چرخه های پس انداز، مجموعه قوانین فعلی برای تأمین سهمیه صندوق خصوصی را در بر می گیرد. با توجه به اینکه این گونه محدودیت ها ممکن است بازدهی حق السهم های پس اندازهای فردی را کاهش دهند، سؤال مهم مطرح در این زمینه این است که آیا نرخ جدول بندی شده پس اندازها برای جبران کاهش جایگزین خالص درآمدی کارگران فعلی، به عنوان حاصل سیستم بازنشستگی دولتی بر مبنای پرداخت در حین کار، کافی است یا خیر. با شبیه سازی توسعه بلند مدت حساب های پس انداز خصوصی می توان به این سؤال پاسخ داد. پروژه بعدی فرض را بر این می گیرد که تمامی افراد تحت پوشش سیستم بازنشستگی دولتی همیشه حق السهم های پیش بینی شده برای پس اندازشان را به طور کامل به سیستم خصوصی پرداخت می کنند و با آغاز دوره بازنشستگی، یعنی در سن

۶۵ سالگی پس اندازهایشان را از صندوق بازنشستگی بیرون خواهند کشید. با در نظر گرفتن بیمه مستمری سالیانه، این گونه فرض می شود که طرح بازنشستگی بر اساس رشد بهره وری یا رشد دستمزد ناخالص شاخص گذاری می شود و در شرایط واقعی در یک نرخ ثابت، حدود ۱/۵ درصد در هر سال تنظیم می گردد. با محاسبه میزان وجوه صندوق بازنشستگی در سال ورود به بازنشستگی، قبل از کسر مالیات متوسط امید به زندگی با شرط سنی ۶۵ سال در هر دوره محاسبه گردید [۱۰]. در آخر، خالص حقوق بازنشستگی خصوصی از طریق کسر حق السهم های پیش بینی شده برای بیمه بلند مدت درمان و اعمال نرخ متوسط ثابت مالیات حدود ۱۵ درصد، که اعمال آن در برخی موارد ضرورت دارد، به دست می آید. در کل، برای اعمال قوانین مالیاتی روی درآمد بازنشستگی هنوز تصمیمی اتخاذ نشده است.

نمودار ۶ نشان می دهد که بعد از لحاظ کردن مستمری سالیانه حاصل از طرح پس انداز خصوصی برای نرخ های واقعی آلترناتیو بازدهی روی صندوق های بازنشستگی، گروه های بازنشسته آتی در سال ورود به بازنشستگی با افزایش سطح حقیقی خالص جایگزین مواجه می شوند.



نمودار ۶. خالص نرخ جایگزینی شامل سرمایه بازنشستگی

بازنشستگی شخصی پس از سال ۲۰۱۵ به اتمام خواهد رسید. حتی با فرض یک بازدهی بسیار اندک برای صندوق های خصوصی، حدود ۱ درصد هر سال در شرایط واقعی، پس از سال ۲۰۲۵ خالص درآمد بازنشستگی از ۶۷ درصد سطح کل خالص دریافتی های فعلی فراتر خواهد رفت.

در بلند مدت، پس از سال ۲۰۵۰، سیستم پیوسته بازنشستگی های دولتی و خصوصی در یک سطح خالص جایگزین حدودا ۷۱ درصد همگرایی می یابند، که این بیشتر از سطح فعلی است. اگر کسی فرضیات محافظه کارانه کمتر را برای نرخ های واقعی بازدهی روی صندوق بازنشستگی فردی در آینده در نظر بگیرد، موقعیت نسبی درآمدی بازنشستگان در دوره جاری، حتی با گذشت زمان مطلوبیت بیشتری

برای مقایسه، خالص سهمیه جایگزین سیستم بازنشستگی دولتی به صورت جداگانه تکرار شده است. اگرچه انباشت وجوه خصوصی نیاز به زمان دارد، اما مستمری های سالیانه پس از تکمیل مرحله بندی طرح خصوصی در مدت زمان کوتاهی پرداخت می شوند. گروهی که در سال ۲۰۱۵ بازنشسته می شوند، می توانند حدود ۱ درصد از متوسط خالص درآمدهای فعلی را با بازدهی حاصل از حساب های بازنشستگی خود جایگزین کنند. به هر حال، این میزان برای جبران کاهش سریع سطوح حقوق بازنشستگی دولتی در اولین سال ها بعد از اصلاح کافی نیست، به طوری که سطح کل منافع کمتر از سطح ۶۷ درصد مورد نظر سیاست گذاران باقی خواهد ماند. همان گونه که سررسید پرداخت حساب های پس انداز فردی فرا می رسد، تأمین سهمیه صندوق

خواهد یافت. با بازدهی های واقعی ثابت ۲ یا ۳ درصد، سطح جایگزین مورد نظر در سال ۲۰۲۰ (۲۰۱۸) مجددا افزایش می یابد و کل سهمیه خالص درآمدی از ارزش اولیه بعد از سال ۲۰۳۶ (۲۰۲۹) فراتر می رود.

آیا افراد باید بیشتر پس انداز کنند؟ با در نظر گرفتن اینکه سیستم پرداخت در حین درآمد به هدف نرخ سهم حق بیمه تحت پیشرفت های کاملا ملایم اقتصادی و جمعیتی توجهی نمی کند، به سختی می توان به این سؤال پاسخ مثبتی ارائه داد. در مقابل، تنها نرخ های پس انداز که در حال حاضر معرفی شده اند، فرصتی کافی فراهم می آورد که تا بعد از سال ۲۰۳۰ از میزان حقوق بازنشستگی بر مبنای سیستم پرداخت در حین ایجاد درآمد کاسته شود. در این موقعیت، حتی اگر بازدهی طرح های پس انداز فردی خیلی اندک باشد، حقوق بازنشستگی خصوصی برای کاهش بسیار در سطح بازنشستگی دولتی و حفظ سطح آن به ۶۷ درصد برای کل حقوق بازنشستگی درآمد کافی فراهم خواهد آورد. به این دلیل که پرداخت حق السهم پس انداز اختیاری است، این امکان وجود دارد که افزایش تجربی سطوح جایگزین از مطلوبیت کمتری برخوردار باشد.

افراد ممکن است به اندازه نرخ جدول بندی شده پس انداز نکنند، بنابراین خالص جایگزین درآمدی ممکن است کمتر از میزانی باشد که در نمودار ۶ نشان داده شده است. به هر حال، این امر نمی تواند اعتبار استدلال های پیشین را ساقط کند. افرادی که داوطلبانه برای به تعویق انداختن مصرف به سن پیری تصمیم می گیرند، همان گونه که اصلاحات ملزم کرده است، به رغم آگاهی از این امر که سطح حقوق بازنشستگی دولتی کاهش خواهد یافت، در حال حاضر به عنوان "بیمه شده با پوشش مازاد" [۱۱] در سیستم بازنشستگی پرداخت در حین ایجاد درآمد در نظر گرفته می شوند.

۶ نتیجه

با اصلاحات اخیر در سیستم بازنشستگی که ترکیبی میان کاهش اندک طرح بازنشستگی دولتی با پس اندازهای داوطلبانه یارانه ای برای تأسیس صندوق های بازنشستگی شخصی است، سیاست گذاران آلمان از زمان معرفی طرح بازنشستگی عمومی بر مبنای پرداخت در حین ایجاد درآمد در دهه ۱۹۵۰، به ویژه با تغییرات بسیار رادیکال در روش های تأمین حقوق بازنشستگی موافقت کرده اند. به هر حال همان طور که تغییر سیاست این سهم اجتناب ناپذیر است، احتمال این

هزینه ناشی از کاهش نرخ های بازدهی از مصرف کنندگان حمایت کند.

علاوه بر این، مشکلات حل نشده دیگری هم وجود دارند. اجرای طرح مالیات بندی معوقه به تعویق افتاده است، به ویژه به این دلیل که مالیات حقوق بازنشستگی استراتژی است که نمی تواند رأی مثبت بیاورد. به علاوه، انتقال به سیستمی که تنها بخشی از وجوه آن تأمین شده است، در بردارنده مسائل دشوار ناشی از توزیع مجدد میان نسلی است. در حالی که نرخ های بازدهی داخلی سیستم بازنشستگی از قبیل بیمه های مستمری سالیانه به واسطه اصلاحات افزایش می یابند، اما آنها اساساً میان نسل ها متفاوت هستند و تغییر می کنند. سیاست توزیع به طور ویژه دو گروه را مخاطب قرار می دهد:

بازنشستگانی که طی دهه اخیر بازنشسته می شوند، بار مالی ناشی از کاهش عمده سطوح حقوق بازنشستگی در سال های اولیه اصلاحات را متحمل می شوند ولی زمانی برای اندوختن ذخایر جبرانی ندارند.

گروهی که در دهه بعد متولد می شوند. این افراد در دوره ای که بسیار فعال و کارآمد هستند، با اوج نرخ های سهم حق بیمه به سیستم پرداخت در حین ایجاد درآمد مواجه خواهند شد. اما

که اصلاحات طی گذشت زمان بدون تغییر باقی بمانند، اندک است. بسیاری از جزئیات ماحصل مصالحه سیاسی عجولانه ممکن است بیانگر این مهم باشد که چرا معیارها به درستی تعیین می شوند، اما در اجرا بسیار محتاطانه عمل می شود.

زمانی که فشارهای جمعیتی شدید می شوند، میزان پرداخت سهم حق بیمه به طرح بازنشستگی اجباری به طور ناگهانی افزایش می یابد. تعهد درقبال کاهش بسیار سطوح بازنشستگی دولتی تا بعد از سال ۲۰۳۰ سیاستی بسیار مناسب و کارا خواهد بود. اعلام اولیه اهداف واقع بینانه حقوق بازنشستگی دولتی همچنین انگیزه های اضافی برای پس اندازهای داوطلبانه ایجاد می کند. این مهم می تواند اکثر زیان های تحمیلی ناشی از بازنشستگی های دولتی را بهبود بخشد، حتی اگر میزان بازدهی اندک باشد. در حالی که مقیاس بازنشستگی های Riester به نظر کافی می رسد، صندوق های بازنشستگی خصوصی در کل بسیار قانونمند هستند.

این مهم در ارتباط با یارانه دهی دشوار به نان آوران کم درآمد از طریق پرداخت های مستقیم موازی و منافع مالیاتی و معیارهای صلاحیتی برای جلب حمایت دولت است که می تواند در برابر

تصویب اصلاحات در جریان به صورت قانونی نیاز به تحرک بسیار سیاسی دارد و برای تحقق آن باید در انتظار ماند.

توضیحات:

۷. البته می توان به مولزات شکل E برای انواع خانواده های گسترده نمودارهایی ترسیم کرد. به طور عام رده بندی درآمد که با کاهش یارانه های مؤثر مشخص می شوند، برای افراد متأهل و دارای تعدادی بچه به سمت بالا انتقال می یابد. در همان زمان نرخ کاهش یارانه نهایی کمتر می شود، به طوری که رده های درآمدی وسعت می یابند.

۸. در نظر گرفتن سهمیه ۱۰۰ درصدی برای یارانه که در شکل ۵ گزارش شده است در عمل نمی تواند به وقوع پیوندد. اگرچه ممکن است میزان بالای بخشودگی پس اندازها نسبت به هدف اعمال شده مسئله ای تلقی شود، اما مقررات خاصی در این زمینه هستند که اطمینان می دهند افراد همیشه بایستی حداقل بخشی از حق السهم پس اندازهایشان را پرداخت کنند. الگوی ما خلاصه ای از این گونه پیچیدگی هاست.

۹. سطح حقوق بازنشستگی با جنسیت افراد، به دلیل تفاوت در طول عمر تغییر خواهد کرد. با سیاست پس اندازهای داوطلبانه این امکان وجود ندارد تا با

اجبار بیمه گران در به کارگیری جدول طول عمر یکسان برای محاسبه مستمری های سالیانه از این پیامد مشکل ساز جلوگیری کرد. بسته به اینکه آیا کمک های خاص جنسیت در نظر گرفته می شوند یا نه، این ضرورت با ریسک های بد یا خوب خارج از بازار مواجه خواهد شد، زیرا آنها قراردادها منصفانه فردی ارائه نمی دهند.

۱۰. اقدام یک کارفرما در این باب که یکی از مزایای یک کارمند یا کارگر به صورت قطعی درآید، این واگذاری گاهی در برنامه های بازنشستگی صورت می گیرد. هنگامی که کارمند یا کارگر مشمول برنامه واگذاری حتمی است حتی اگر اشتغال زودتر از موعد پایان پذیرفته باشد، می تواند مزایای مورد انتظار بازنشستگی را به دست آورد.

۱۱. در صورتی که مبلغ بیمه از قیمت مورد بیمه فزونی یابد، بیمه مازاد گفته می شود.

واژگان کلیدی:

بیمه بازنشستگی، پس انداز اختیاری، بیمه بازنشستگی دولتی، بیمه بازنشستگی خصوصی، صندوق بازنشستگی.

منبع:

The Geneva papers on Risk and Insurance
Vol.26 No 4